



پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان پایان نامه

تحلیل و بررسی اذن زوج در خروج زوجه از منزل از منظر فقه مذاهب اسلامی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر مهدی رهبر

دانشجو

طیبه گلدوزها

سال و ماه دفاع

دی - ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است

تقدیم

به صاحب الزمان (عج) قطب عالم امکان

و تقدیم به پدر بزرگوار و مادر مهربانم

آن دو فرشته ای که از خواسته هایشان گذشتند، سختی ها را به جان خریدند و خود را سپر
بلای مشکلات و ناملایمات کردند تا من به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده ام برسم

سپاس و ستایش

خدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار،

درفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا

بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید و

با تقدیر و تشکر شایسته از استاد فرهیخته و ارجمند جناب آقای دکتر مهدی رهبر که با نکته هایشان

همواره راهنما و راه گشای اینجانب در اتمام و اکمال پایان نامه بوده اند.

و سپاس بیکران بر همدلی و همراهی و همگامی همسر مهربانم.

چکیده

موضوع اذن شوهر همواره یکی از موضوعات بحث برانگیز میان فقهاء بوده است اصل لزوم استیذان زوجه برای خروج از منزل با استناد به روایاتی که بیان خواهیم کرد مورد پذیرش فقهاء قرار گرفته است. سؤال اساسی در این زمینه درباره محدوده استیذان است که آیا زوجه در هر خروجی بطور مطلق نیازمند اذن زوج است یا اینکه استیذان در مواردی خاص مانند موردی که با حقوق زوج منافات داشته باشد لازم است؟

کلمات بسیاری از فقهاء متقدم و متأخر امامیه مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، ابوالصلاح حلبی، علامه حلی، امام خمینی و آیه الله سیستانی ظهور در وجوب مطلق اذن و فتاوی برخی از فقهاء معاصر مانند آیه الله خوئی، شیخ محمدمهدی شمس الدین، سید محمد حسین فضل الله، آیه الله محمدموسوی بجنوردی، آیه الله جناتی ناظر بر قول دوم می باشد.

برخی از آیات قرآن مثل آیه (الرجال قوامون على النساء) آیه اطلاق داشته و بصورت کلی و غیرمستقیم به اصل استیذان زوجه از زوج اشاره دارند لکن در مورد محدوده استیذان آیه ای نیافتیم لذا در این تحقیق با بررسی روایات وارده از معصومین (علیهم السلام)، در زمینه محدوده و قلمرو نیاز به اذن زوج در خروج زوجه از منزل بحث خواهیم نمود.

کلید واژه ها: اذن - زوج - زوجه - خروج از منزل - نشوز - تمکین.

بخش اول: کلیات و مفاهیم

۱. فصل اول: کلیات.....	۱۲
۱.۱. بیان مسئله.....	۱۲
۱.۲. اهمیت و ضرورت.....	۱۲
۱.۳. سئوالات تحقیق.....	۱۳
۱.۴. فرضیات تحقیق.....	۱۳
۱.۵. پیشینه تحقیق.....	۱۳
۱.۶. چارچوب نظری تحقیق.....	۱۴
۲. فصل دوم: مفاهیم و تعاریف.....	۱۵
۲.۱. مدیریت مرد.....	۱۵
۲.۱.۱. قوامیت.....	۱۵
۲/۱/۲. بررسی محدوده ی قوامیت مرد در نهاد خانواده.....	۱۷
۲.۲. حقوق و تکالیف زوجین.....	۲۰
۲.۲.۱. حقوق و وظایف مشترك.....	۲۰
۲.۲.۲. وظایف شوهر.....	۲۱
۲.۲.۲.۱. سرپرستی و قیمومت خانواده.....	۲۱
۲.۲.۲.۲. تأمین نفقه.....	۲۲
۲.۲.۳. وظایف زوجه.....	۲۲

۲۲ ۲.۲.۳.۱. اطاعت از شوهر
۲۳ ۲.۲.۳.۱.۱. حدود اطاعت از شوهر در قرآن
۲۶ ۲.۲.۳.۱.۲. حدود اطاعت از شوهر در روایات
۲۷ ۲.۲.۴. موارد اطاعت از زوج
۲۷ ۲.۲.۴.۱. تمکین
۲۷ ۲.۲.۴.۱.۱. تعریف لغوی و اصطلاحی تمکین
۲۹ ۲.۲.۴.۱.۲. موارد مشروع عدم تمکین
۲۹ ۲.۲.۴.۲. اذن خروج زوجه از منزل
۳۰ ۲.۲.۴.۲.۱. تاریخچه حکم اذن خروج زوجه از منزل
۳۸ ۲.۲.۴.۲.۲. اذن
۳۴ ۲.۲.۴.۲.۳. خروج
۳۷ ۲/۳. نفقه و نشوز
۳۷ ۲.۳.۱. تعریف نفقه

بخش دوم: نظریه های امامیه در زمینه ی اذن زوج

۴۲ ۱. فصل اول: نظریه اول: اذن مطلق
۴۲ ۱.۱. دیدگاه فقهای متقدم
۴۵ ۱.۲. دیدگاه فقهای متاخر
۴۷ ۱.۳. ادله نظریه اول
 ۱.۳.۱. آیات.. ۴۷
۴۹ ۱/۳/۲. روایات
۵۵ ۱.۳.۳. مطلق بودن حق کامجویی مرد
۵۶ ۱/۳/۴. اقتضای عقد چنین حقی را در پی دارد

۲. فصل دوم: نظریه دوم: اذن مقید..... ۵۸

۲.۱. لزوم استیذان در خروج منافی حق استمتاع شوهر ۵۸

۲.۱.۱. دلایل.. ۶۱

۲.۱.۱.۱. آیه عاشروهن بالمعروف ۶۱

۲.۱.۱.۲. قاعدة نفی حرج ۶۳

۲.۲. لزوم استیذان در خروج منافی مصلحت زن ۶۳

۲.۲.۱. دلایل:(ادله عام) ۶۴

۲.۲.۱.۱. آیه عاشروهن بالمعروف ۶۴

۲.۲.۱.۲. آیه: و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف ۶۵

۲.۲.۱.۳. آیه: «الرجال قوامون علی النساء» ۶۵

۲.۳. موارد استثناء لزوم اذن خروج زن از منزل ۶۷

۲.۴. استفتائات از مراجع عظام تقلید ۷۰

۲.۵. نتیجه ۷۲

بخش سوم: دیدگاه اهل تسنن راجع به مساله لزوم اذن خروج زن از منزل

۳.۱. دیدگاه اهل تسنن راجع به مساله لزوم اذن خروج زن از منزل ۷۴

۳.۲. نظریه ها ۷۸

۳.۲.۱. نظریه اول: اذن مطلق ۷۸

۳.۲.۱.۱. مذهب حنبلی ۷۹

۳.۲.۱.۲. موارد استثناء ۸۰

۳.۲.۲. نظریه دوم: اذن مقید ۸۰

۳.۲.۲.۱. دیدگاه مذهب حنفی ۸۰

۳.۲.۲.۲. موارد استثناء شده از استیذان ۸۳

۸۳ مذهب شافعی	۳.۲.۲.۳
۸۶ موارد استثناء شده از استیذان	۳.۲.۲.۴
۸۷ مذهب مالکی	۳.۲.۲.۵
۸۸ موارد استثناء شده از استیذان	۳.۲.۲.۶
۸۹ نتایج	۳.۳
۱۱۱ منابع	

بخش اول

کلیات و مفاهیم

۱. فصل اول: کلیات

۱.۱. بیان مسئله

بر اساس فرامین دینی و الهی ازدواج پیمانی است دو طرفه که به موجب آن هر یک از زن و مرد به ازای تکالیف محوله دارای حقوقی نیز خواهند بود با توجه به ادله ی گوناگون از جمله آیه ی (الرجال قوامون علی النساء)، جایگاه مدیریت و ریاست نظام خانواده بر دوش زوج قرار داده شده است که از مستلزمات این حق همچنین برای تحکم بنیان خانواده نیاز است که زوجه مطیع زوج باشد، یکی از مصادیق اطاعت زوجه، اذن زوجه از زوج در خروج از منزل می باشد.

در این تحقیق درصدد آن هستیم تا محدوده و لزوم اذن خروج زوجه از منزل، همچنین دلایل این نظریه را بین مذاهب اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

امیدواریم که این تحقیق راه گشایی باشد برای تبیین نظرات مذاهب مختلف اسلامی در این مسئله.

۱.۲. اهمیت و ضرورت

ضرورت اشتغال زنان جهت کمک به معیشت خانواده و نیز تحصیل خانمها، بحث خروج از منزل را مطرح می سازد و اینکه خروج بدون اذن آثار تکلیفی و وضعی برای زن به همراه دارد که لازم است از آنها مطلع باشند. هدف از این تحقیق دستیابی به محدوده نیاز به اذن برای خروج از منزل از دید فقهای اسلامی است.

۱.۳. سؤالات تحقیق

- ۱- خروج زوجه از منزل بدون اذن زوج چه حکمی دارد؟
- ۲- محدوده نیاز به اذن برای خروج از منزل کدام است؟

۱.۴. فرضیات تحقیق

- ۱- غالب فقها خروج بدون اذن را جایز نمی دانند.
- ۲- خروج زن از منزل بنا بر نظر برخی از فقها مطلقاً نیاز به اذن زوج دارد و برخی مقید به تنافی با حق استمتاع زوج کرده اند.

۱.۵. پیشینه تحقیق

در این زمینه تالیف یا کتابی مستقل نگاشته نشده است البته به صورت کلی مواردی مطرح شده است لکن بررسی و تحلیل این مسئله به صورت مقارنه ای مسبوق به سابقه نمی باشد.

در کتب و مقالات زیر در رابطه با این موضوع مطالبی وجود دارد:

کتب:

- ۱- حقوق و تکالیف زوجین در اسلام
- ۲- حقوق و تکالیف متقابل زوجین
- ۳- حقوق خانواده

مقالات:

- ۱- بررسی فقهی مسئله خروج زن از منزل بدون اذن شوهر
- ۲- زن، حق خروج از منزل، حق کار و اذن شوهر
- ۳- مسئله وجوب اطاعت زن از شوهر

۱.۶. چارچوب نظری تحقیق

عناوین موضوعات در این پژوهش در غالب سه عنوان مهم می باشند:

۱- کلیات که در آن به بررسی مواردی پرداخته شده است که بیشتر در غالب تعاریف می باشند که باعث

روشن شدن موضوع بحث و آشنایی با مفاهیم کلیدی در پایان نامه می شوند.

۲- بررسی نظرات امامیه راجع به مسئله اذن زوج برای خروج زوجه از منزل، در این قسمت به بررسی

نظرات شیعه همراه با دلایل آنها پرداخته شده است.

۳- بررسی نظرات اهل تسنن که در این بخش هم به نظرات اهل سنت همراه با دلایل آنها پرداخته شده

است.

۲. فصل دوم: مفاهیم و تعاریف

۲.۱. مدیریت مرد

۲.۱.۱. قوامیت

یکی از برتری‌هایی که اسلام به مرد داده اما بار ارزشی ندارد برتری مرد بر زن در جایگاه ریاست خانواده می‌باشد. بنا بر آیه:

(الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بضعهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله و اللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن و اهجروهن فى المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلاً ان الله كان علياً كبيراً)

(مردان سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند(از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاق‌هایی که از اموالشان(در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند و در غیاب(همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند، و(اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و(اگر موثر واقع نشد) در بستر از آن‌ها دوری نمایید؛ و اگر(هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود، آن‌ها را تنبیه کنید. و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید.(بدانید) خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است(و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست))^۱

۱- نساء/ ۳۴، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

مرد در اسلام به عنوان قیم زن معرفی شده است.

واژه ی قیمومت از ریشه قام یقیم مشتق شده است و به معنای ایستادن است. و لسان عرب قیم را سید و سائس الامر معنا کرده و گفته است قیم القوم (الذی یقومهم ویسوس امرهم)^۱.

همچنین قرآن حکیم حکمت قیمومیت مرد را چنین بیان می کند:

(بما فضل...) که مقصود از برتری مردان بر زنان در آیه مورد بحث برتری ارزش نیست، برتری

به معنای زیادی در مواهب طبیعی است که تفاوت های طبیعی زن و مرد و برتری های

نسبی مردان و زنان که از ادله بر می آید قابل انکار نمی باشد.

دومین دلیل قیمومیت مرد مسئولیت مرد در قبال زن از حیث مالی است.

(بما انفقوا من اموالهم) که زوج موظف به پرداخت نفقه به زوجه ی خویش می باشد.

در تفاسیری که در مورد این آیه آمده میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

آیه الله جوادی آملی می فرمایند:

جمله (الرجال قوامون علی النساء) جمله خبریه و وصفی به داعی انشا و دستور است؛ خداوند

قیمیت و اشراف در تدبیر امور و برطرف کردن نیازهای زن را برای مرد جعل کرده است و

مرد باید بر همسرش قوام باشد، چون زن و ناموس او امانتی الهی است که خداوند حفظ و

دفاع از وی و نیز تامین هزینه و نفقه اش را بر عهده مرد گذارده است.^۲

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل عبارت (الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله...) می فرمایند:

«قیم کسی را گویند که مهم کسی دیگر را انجام دهد و قوام و قیام صیغه مبالغه آن می باشد.

مراد از «ما فضل الله» آن فزونی و امتیازی است که بالطبع مردان بر زنان دارند، یعنی زیادتی

قوه تعقل و فروع آن مانند هموردی و تحمل شدائد و کارهای سخت و سنگین و... زیرا

۱- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد مکرم، لسان العرب، بیروت، ۱۹۸۸ م، ج ۵، ص ۱۹۳.

۲- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۴۵.

زندگانی زنان زندگانی احساسی و عاطفی است و بر نازکدلی و ظرافت مبتنی می‌باشد. مراد از

انفاق، نفقه و مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌پردازند.^۱»

همچنین آیه الله جوادی آملی می‌فرمایند:

«قوم بودن نشانه کمال و تقرب به خدا نیست، همان گونه که در وزارتخانه‌ها و مجامع،

افراد هستند که مدیر و رئیس و سرپرستانند، ولی این فخر معنوی محسوب نمی‌شود... قوم

بودن مربوط به کارهای مدیریت و اجرایی است... چون مسائل اجتماعی و اقتصادی و کوشش

برای تحصیل مال و تامین نیازمندی‌های منزل و اداره زندگی را مرد بهتر به عهده می‌گیرد و

مسئول تامین هزینه است؛ سرپرستی داخل منزل هم با او است، چنین نیست که از این

سرپرستی بخواهد مزیتی هم به دست آورد، بلکه یک کار اجرایی و یک وظیفه است نه یک

فضیلت^۲»

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که منظور از مدیریت و ریاستی که قرآن برای مرد در

نظر گرفته مدیریت حقوقی او بر خانواده است در حقیقت نوعی مدیر تامین هزینه و...»

۲.۱.۲. بررسی محدوده‌ی قومیت مرد در نهاد خانواده

برای تبیین این مسئله لازم است این سوال را مورد نقد و بررسی قرار داد:

آیا آیه محل بحث (نساء/۳۴)، فقط به محدوده روابط خانوادگی محدود می‌شود، یا فراتر از آن، مدیریت جامعه

را نیز در برمی‌گیرد؟

به عبارت دیگر: آیا در روابط اجتماعی میان زنان و مردان، حق مدیریت و سرپرستی با مردان است؟ آیا در

جامعه نیز مردان «قوم» بر زنان و سرپرست آنها هستند؟ یا آیه مربوط به محدوده روابط زن و شوهر است؟

مرحوم علامه طباطبایی پس از آنکه سبب برتری و فضیلت مردان بر زنان را، نیروی تعقل افزونتر در مردان

و توانمندی بیشتر جسمی آنان می‌داند، می‌نویسد:

۱- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش. ج ۴، ص ۱۸۱.

۲- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ ۵، ۱۳۸۱، ص ۳۹۲-۳۹۱.

« این علت برتری در مردان، مخصوص خانواده و همسران نیست. بلکه این حکم برای همه مردان، در برابر همه زنان است. در تمامی امور که زندگی این دو صنف به آن مرتبط است، مانند مسائل حکومتی و قضاوت و مانند آن - به سبب برتری عقلی مردان، مدیریت و رهبری به عهده آنان است.^۱»

به تعبیر دیگر: علت این حکم، عمومیت دارد و فراتر از محدوده زندگی خانوادگی است چرا که علت مدیریت مردان بر زنان، عقل و تدبیر و نیروی جسمانی افزونتر است. و این محدود به خانواده و روابط زن و شوهر نیست. مرحوم علامه در ادامه می‌افزاید:

الرجال قوامون علی النساء، اطلاق دارد و کل روابط مردان با زنان را در اجتماع شامل می‌شود؛ ولی ادامه آیه که می‌فرمود: «فالصالحات قانتات...» فقط به روابط زوجین اختصاص دارد و از تمکین و روابط خاضعانه زن در برابر شوهر سخن می‌گوید. و در واقع «فالصالحات» یک فرع، از فروع آن حکم مطلق است.^۲

مرحوم آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری پس از آنکه سبب برتری مردان بر زنان را، یک امر طبیعی و تکوینی می‌داند، که همان نیروی جسمی و عقلی افزونتر باشد می‌گوید:

« این علت برتری تعمیم دارد و فقط مخصوص روابط خانوادگی نیست؛ هر چند خانواده و همسری از مصادیق روشن آن است. همچنین در این آیه در بیان قوامیت مردان بر زنان، از دو کلمه «رجال» و «نساء» استفاده شده، نه کلمه «ازواج». گویا این حکم برای جنس مردان است که خداوند آنان را سرپرست زنان قرار داده است^۳»

در جای دیگر نیز می‌گوید:

« این سرپرستی را که خداوند برای مردان قرار داده است، مخصوص جهت معینی مثل سرپرستی مرد بر همسر خویش نیست؛ بلکه مطلق است و مردان قوام و سرپرست زنانند در

۱- طباطبایی، پیشین، ج ۴، ص ۳۴۳.

۲- همان.

۳- سبزواری، عبدالاعلی، مواهب الرحمن، موسسه اهل بیت، بیروت، بی تا، ج ۸، ص ۱۷۵.

مسائل اجتماعی و حفظ شئون جامعه، همانند قضاوت و اداره جنگ و مانند آن. خداوند

پذیرش این امور را تکلیف مردان قرار داده است.^۱»

برخی دیگر از مفسران، این آیه را در محدوده روابط زن و شوهر معنا کرده‌اند و به روابط مردان و زنان در جامعه

در پرتو این آیه نپرداخته‌اند. آیه الله جوادی آملی می‌نویسد:

وقتی که زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو صنف مطرح است، هرگز مرد قوام

و قیم زن نیست. و زن هم در تحت قیمیت مرد نیست.

«الرجال قوامون علی النساء» مربوط به آن جایی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در

مقابل زن باشد. که در آن صورت سخن از قوام بودن به میان می‌آید.^۲

البته به نظر می‌رسد، سیاق آیه در بیان نحوه ارتباط زن و شوهر در دایره امور خانوادگی است و قرائنی در آیه

است، که همین نظر را تأیید می‌کند:

۱- تعلیل دوم برای علت «قوامیت» مردان بر زنان آن است که «و بما انفقوا من اموالهم». همه مفسران مراد

از آن را، پرداخت مهریه و انفاق بر همسر در هزینه زندگی دانسته‌اند. این تعلیل، دایره «الرجال قوامون علی

النساء» را محدود به روابط زوجین می‌کند.

۲- در قسمت پایانی که سخن از نشوز زنان و نحوه برخورد با آنان است، بار دیگر تأکیدی بر جهت‌گیری آیه

در محدوده روابط خانوادگی است.

۳- شأن نزولی که مفسران برای آیه ذکر کرده‌اند، می‌تواند موید دیگر این نظریه باشد.

«این آیه درباره سعد بن ربیع (از بزرگان انصار) و همسرش نازل شد. آنگاه که سعد همسرش

را به خاطر نشوز، سیلی زد. آن زن به همراه پدرش، نزد رسول خدا آمد. پدرش از «سعد»

شکایت کرد. پیامبر نیز حکم به قصاص داد، ولی در این میان جبرئیل فرود آمد و این آیه را از

جانب خداوند نازل کرد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود ما چیزی (قصاص) را اراده

کرده‌ایم، ولی خداوند چیز دیگری را خواسته است. از این رو، حکم قصاص برداشته شد.^۳»

۱- همان، ص ۱۷۴.

۲- جوادی آملی، عبدالله، پیشین، ص ۳۶۶.

۳- طبرسی، فضل بی حسن، مجمع البیان فی تفسیر القران، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۷۹.

این شأن نزول، به خوبی فضای نزول آیه و جهت‌گیری کلی آیه را روشن می‌سازد که آیه ناظر به روابط خانوادگی و ارتباط زوجین است و درصدد نحوه ارتباط زنان و مردان در مدیریت جامعه نیست.

۲.۲. حقوق و تکالیف زوجین

۲.۲.۱. حقوق و وظایف مشترک

مهم‌ترین حقوق و وظایفی که زن و شوهر هر دو باید آنها را رعایت کنند، عبارتند از:

۱. حسن معاشرت: رفتار زن و شوهر نسبت به همدیگر باید خوب و کاملاً پسندیده باشد.

قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلْ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا
ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا
شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه به ارث برید و بر آنان سخت‌گیرید تا بعضی از آنچه را به آنان بخشیده‌اید، خود ببرید، مگر آنکه مرتکب فحشاء آشکار شوند و با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر از همسرانتان خوشتان نیامد چه بسا شما چیزی را خوش نداشته باشید، ولی خداوند، خیر فراوان در آن قرار داده باشد.

معروف در برابر منکر، به معنای رفتاری است که از نظر شرعی و عقلی پسندیده باشد.

گرچه خطاب در آیه متوجه مردان است، زنان نیز همین وظیفه را دارند.

عن النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، قال: «أكمل المؤمنین إيماناً أحسنهم خلقاً، و خیارکم خیارکم لنسائه^۲».

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: کامل‌ترین مردم از جهت ایمان کسانی‌اند که

اخلاقشان نیکوتر باشد. خوبان شما کسانی هستند که به زنانشان نیک رفتار باشند.

۱- نساء/ ۱۹.

۲- اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالأنوار، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ ق، بیروت- لبنان، ج ۷۱، ص ۳۸۹.